

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۱۷ اپریل ۲۰۱۵

شورای نظار، در عقب جنگ بدخشان!

اختلافات، بین اشرف غنی جاسوس، با عبدالله عبدالله جاسوس، زمانی به اوجش رسید که رئیس جمهور دولت مستعمراتی کابل، تصمیم می گیرد تا خاین ملی، آدمکش مجرب، وطنفروش حرفه ئی و نوکر افسار گسیخته سوسیال امپریالیسم شوروی، جنرال «افضل لودین»، یکی از جنرالهای خون آشام رژیم فاشیستی نجیب گاو را، من حیث نامزد وزارت دفاع، به «ولسی جرگه»، معرفی کند. این امر باعث آن می شود که عبدالله عبدالله جاسوس و دیگر غلام بچگان و لنده غران «شورای نظار»، به خاطر نامزدی جنرال «افضل لودین»، واکنش شدید شان بدهند و دست به تهدیداتی بزنند. جنرال «افضل لودین»، که در آدمکشی، ید طولای و دست بالا دارد، از اخطارها و تهدیدات غلام بچگان لنده غر می ترسد و از نامزدی اش صرف نظر کرده و کناره گیری می کند. البته دومین بی عقل جهان و دیوانه مادر زاد، اشرف غنی جاسوس، طیاره دزد و جاسوس مشهور، «داوود سلطان زوی» را مأمور ساخته بود تا به «اروپا» سفر کند و با جنرال «افضل لودین» و دیگر نظامیان خلقی و پرچمی، به خاطر نامزدی وزارت دفاع، صحبت کند.

زمانی که اشرف غنی جاسوس، به امریکا سفر نمود و در کانگرس آنکشور صحبت کرد، به محض بازگشت به کابل، به ادارات دولتی و پارلمان بویناک و پوشالی امر کرد و دستور صادر نمود که بدون امضای وی، هرگونه تعیین و تفری، غیر قانونی می باشد. وی بدون مشوره با عبدالله عبدالله جاسوس، خواست تا در دولت تغییراتی را پدید آورد که این امر به مزاج عبدالله عبدالله جاسوس، خوش نمی خورد، برآشفته می شود و دهان به جنگ و تهدید، کشتن و تخریب و... می گشاید. مدارای و شعبده باز امریکائی، (جان کری)، مجبور می شود تا از واشنگتن به کابل سفر نماید و با هر دو (جمبوره) های افغانی اش ملاقات کند. مدارای و شعبده باز امریکائی به غلام بچه قدرت طلب، عبدالله عبدالله جاسوس، ضمن هوشدار، تفهیم می کند که «رئیس جمهور»، در تعیینات، مقررات و... صلاحیت مطلق داشته زیرا وی به اراده و رأی مردم انتخاب شده است. این بدان معناست که بادر امریکائی، برای غلام حلقه به گوش شان، عبدالله عبدالله جاسوس، می فهماند که وی توسط اراده و رأی مردم، به این مقام انتخاب نشده بلکه توسط امریکا، در قدرت نصب و شریک ساخته شده است. حرفهای مدارای و شعبده باز امریکائی، (جان کری)، به مثابه مرچ خشک شاخ بزک، در نقطه حساس عبدالله عبدالله جاسوس، تصادم می کند و وی را به جستک و خیزک، قرتک و فرتک می اندازد.

افغانستان تاریخی، میدان مداری گری ها و شعبده بازی های امریکا شده است. (جان کری)، این مداری مجرب و سابقه دار، شعبده باز ماهر و شخصیت محیل، با طلسم ها ، چال ها و نیرنگ هایش، دو (جمبوره) افغانی اش، اشرف غنی جاسوس و عبدالله عبدالله جاسوس، را بالای انگشتانش می چرخاند و می رقصاند و در نمایش مضحکی تحت عنوان، «دولت وحدت ملی»، آنان را به کار کشیده تا با نمایشات و درامه های مسخره ، مردم را مسحور و مصروف نگهدارند تا منافع امریکا بیشتر از پیش ضمانت و محافظت گردد.

بعد از عزیمت (جان کری) ، به کشورش ، اشرف غنی جاسوس، طی فرمانی، «شکریه بارکزی»، را به حیث رئیس «اصلاح کمیسیون نظام انتخاباتی»، تعیین و مقرر کرد. این تقرر به مذاق عبدالله عبدالله جاسوس، نجسپید ، عکس العملی منفی در مخالفت با تعیین «شکریه بارکزی»، نشان داد. عبدالله عبدالله جاسوس، و ظن فروش و آدمکش پرچی ، جنرال «نور الحق علومی»، مربوط فرکیسیون «ببرک کارمل»، را من حیث وزیر داخله، پیشنهاد و تعیین کرد که این تقرر، موجب موافقت اشرف غنی جاسوس، قرار گرفت.

قرار گزارشات موثق، عبدالله عبدالله جاسوس، تلاش دارد تا «فضل احمد معنوی»، را در پُست «ریاست اصلاح کمیسیون نظام انتخاباتی» و «بسم الله محمدی»، را یکبار دیگر به کرسی وزارت دفاع نصب نماید. (جمبوره) اشرف غنی جاسوس، چال و نیرنگ ، طلسم و شعبده بازی را از استادان امریکائی اش فراگرفته و خوب آموخته است و می داند که چگونه عبدالله عبدالله جاسوس، را بفریبد، خر بسازد و بترساند. بناءً وی به عبدالله عبدالله جاسوس، هوشدار و اخطار داده است که دست از این گونه لجاجت ها بردارد و در غیری آن، رد صلاحیتش کرده و به جای وی ، برادر خاین ملی، «احمد ضیا مسعود»، را به این مقام مقرر می کند.

در «جنگ» بدخشان، گزارشات دولت پوشالی ضد و نقیض می باشد. دولت پوشالی مدعی شده است که:

"در درگیری بین افراد گروه طالبان و نیروهای ارتش افغانستان در ولایت بدخشان، به تعداد زیادی از مأمورین امنیتی افغان کشته اند".

فرمانده عملیاتی ارتش اجیر افغانستان، چنین ادعا می کند:

"طرف در گیر با نیروهای امنیتی افغانستان، نیروهای گروه طالبان، جنگجویان چینی، ازبکستان و تاجیکستان می باشد. وی ادامه داد که، اگر نیروهای امنیتی افغانستان اقدام جدی نکنند، نیروهای جنگجو، به تهدیدی برای سایر مناطق ولایت بدخشان، مبدل خواهند شد".

فرمانده عملیاتی ارتش اجیر افغانستان، در بالا تذکار داد که اگر نیروهای امنیتی اقدام نکنند، چنین و چنان می شود و اما در ادامه سخنانش چنین می خرامد:

"در این عملیات نیروهای افغان از حمایت تدارکاتی لازم برخوردارند و پوشش هوایی لازم نیز دارند."؟

وی با این نوع ضد و نقیض گوئی، حرف بالایش را نفی کرده می گوید:

"علت افزایش تلفات نیروهای ارتش، در درگیری بدخشان، همکاری نیروهای محلی، با نیروهای گروه طالبان بوده و علاوه بر آن با تشدید آتش از سوی دشمن، نیروهای خط مقدم از نیروهای ذخیره درخواست کمک کرده که این کمک به موقع نرسیده است."؟!

از سخنان بالائی فرمانده عملیاتی ارتش اجیر افغانستان، چنین استنباط می گردد که «طالبان» ، از پشتیبانی و همکاری (نیروهای محلی) برخوردار می باشند. اگر «طالبان»، از پشتیبانی مردمان محل بر خوردار باشند، بیم آن می رود که بدخشان به زودی سقوط کند و در غیر آن فرمانده عملیاتی ارتش اجیر افغانستان، مصدر دروغگوئی عریان شده است تا با این نوع عوامفریبی، خاک به چشمان مردم بپاشد و دست داشتن «شورای نظار»، را در این

قضیه خونبار، از انظار، پنهان سازد تا با این نمایشنامه خونین، دولت اشرف غنی جاسوس، را وادار کند تا «بسم الله محمدی»، را من حیث وزیر دفاع، قبول نماید.

آیا واقعاً نظامیان دولت مزدور، در مبارزه رویاروی با «طالبان»، «شهید» شده و یا توسط شورای انظار «کشته شده اند»؟

پوسته های نظامی و پولیس در خطوط اول، بالای کوه ها و تپه ها، به منظور دفاع ساخته می شود تا ساحه دید وسیع داشته باشند. زمانی که قوای «دفاعی» دولت مزدور، مناطق سوق الجیشی را در اختیار داشته باشد و همچنان پوسته های خطوط اول که نسبت به سایر پوسته ها، سلاح و مهمات بیشتر دارند؛ دور از عقل و منطق است تا قبول شود که، قوای پیاده و تعرضی دشمن، نظامیانی را که از پشتیبانی و حمایت تدارکاتی لازم برخوردار می باشند و پوشش هوایی نیز دارند، بکشد و خیلی به آسانی گردن بزنند!

سوال این است که آیا در جنگ «دره خوستک»، کدام جسدی از طالب و یا مخالفین، به جای مانده است و یا خیر؟

اگر به جای مانده است، چرا از طریق تلویزیون ها، برای مردم نشان نمی دهند؟

اگر نه، پس چطور و چگونه، «طالبان»، بیشتر از ۳۰ تن، نظامی را کشته است و ۳۰ تن دیگر را زنده همراه با وسایط، سلاح و مهمات شان ربوده و با خود برده اند؟

آیا امکان آن دارد که تانک، هموی (هم فی) و موترهای رنجر را در زیر زمینی پنهان کرد؟

اگر یک طیاره کشف، بالای «خوستک»، پرواز نماید، به خوبی می تواند، همه این وسایط و... ریبایی و پیدا نماید؟ اگر عساکر کشته شده، مسموم نشده باشند، معلوم می شود که از طرف طرفداران، «شورای انظار»، خلع سلاح و گردن زده شده اند!

پولیس و اردوی دستنشانده، به خوبی می دانند که، «طالب»، به آنان رحم نمی کند و این موضوع باعث آن شده است که بجنگند تا زنده بمانند!

در این شور و غوغا، احزاب و سازمان های راجستر شده دولتی که ادعای «چپ» بودن را نیز می نمایند، به پشتیبانی از ارتش پوشالی افغانستان، اشک تمساح ریخته، با آه و ناله، شیون و زاری؛ به شکل غلو آمیز و چاپلوسانه، انتحاریون طالب را محکوم می نمایند و به «شورای انظار»، چراغ سبز نشان می دهند، تا (کاکا سام) به سر و روی شان دست لطف کشیده و بگوید، بخمل بچیم!؟!

میرویس ودان محمودی